

روشن رحمانی*

شناخت فرهنگ مردمی ایران در تاجیکستان

در علم شرق‌شناسی، اصطلاح «ایران‌شناسی» عبارت است از پژوهش تمام بخشهای فرهنگ مادی و معنوی مردم ایرانی‌تبار - فارسها، تاجیکها، کردها، پشتونها، بلوچها، آستین‌ها و دیگر اقوامی که مربوط به گروه نژادی و زبانی ایرانی هستند. ایران‌شناسان نه فقط زبان، بلکه تاریخ، ادبیات، فرهنگ مردم و دیگر مسائل اقوام ایرانی‌تبار را که در گوشه و کنار دنیا زندگی می‌کنند، مورد تحقیق و تحلیل قرار می‌دهند. مردم ایرانی‌تبار که در گذشته‌ها قرابت بسیار نزدیکی داشتند، تحت تأثیر وقایع و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و غیره به مرور زمان از هم دیگر دور شدند. ولی علی‌رغم همه اینها، باز هم مشترکاتی درونی هستند که این اقوام را به یکدیگر پیوند می‌دهند. در کنار اینها، باز هم وقایعی پیش می‌آید که موجب اتحاد و نزدیکی این اقوام به یکدیگر می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران یکی از همین گونه وقایع مهمی بود که در طول بیش از ۳۰ سال توجه محققان رشته‌های گوناگون علوم انسانی کشورهای جهان را از هر جهت به خود جلب نموده است. مردم و به خصوص روشنفکران تاجیکستان که برای ایران هم زبان، هم‌تبار و هم‌فرهنگ هستند، از روزهای نخست این انقلاب به این مملکت فرهنگ‌پرور نظر افکنده، با نگاه نیک منتظر آن بودند که روزی فرا رسد و با همدیگر در ارتباط باشند و بهر آبادی فرهنگ نیاکان خویش کوشش

* فولکلورشناس، استاد دانشگاه ملی تاجیکستان.

نمایند و برای نسلهای آینده پرچم نورافشان علم و ادب مردم ایرانی‌تبار را انتقال دهند، تا آنها نیز به نوبه خود این فرهنگ والا را در کنار تمدن جهانی از گزندها ایمن نگه داشته، برای رشد فرهنگ بشری خدمت کرده باشند. با همین نیت نیک، روشنفکران تاجیک همیشه به آموختن آثار ادیبان همزبان ایرانی خود بیشتر مشغول می‌شدند و در باره وضع فرهنگی ایران اسلامی با چشم نیک می‌نگریستند.

پس از مدتی تاجیکستان هم صاحب استقلال گشت (۱۹۹۱م.) و درهای این سرزمین به روی جهانیان، به خصوص ایران، باز شد. با وجود وقایع مدهشی که در اوایل سالهای ۹۰ سده بیست بر سر تاجیکستان آمد، تاجیکان مشتاقانه با چشم و دل به سوی کشور ایران، آثار باستانی فرهنگ آریایی، مقبره‌های فردوسی، سینا، خیام، عطار، سعدی، حافظ و بزرگان دیگر می‌نگریستند و می‌خواستند که این دیار فرهنگ‌پرور را هرچه زودتر ببینند و عزیزان علم و ادب خود را که از آثار آنها در مکتبها و دانشگاهها تعلیم می‌گرفتند، زیارت نمایند. به خصوص با فرهنگ مردم همزبانان خود که آیین زندگی است، از نزدیک آشنا بشوند.

در کنار همه محاسنی که رابطه ایران و تاجیکستان برای ما داشت، توسعه علوم بود. یکی از اینها علم مردم‌شناسی است. اگر ما در تمام رشته‌های علوم اجتماعی به فرهنگ مردم، یعنی سنتهای چندهزارساله مردمی تکیه نکنیم، نتیجه‌های خوب و منطقی علمی به دست نمی‌آوریم. بزرگی و گستردگی فرهنگ مردمی باز در آن است که آثار تمام شاعران، ادیبان، تاریخ‌نگاران، فیلسوفان، روان‌شناسان، سیاست‌شناسان، جامعه‌شناسان و دیگران را بدون آن تصور کردن ناممکن است. سرچشمه اصلی همه آثار تاریخی، ادبی، فلسفی و اخلاقی همین فرهنگ مردم است. ولی گاهی مسئولین دولتی برای آموختن این فرهنگ والا توجه جدی نمی‌دهند، ناچیز و کوچکش

می‌شمارند و بررسی آن را نسبت به علوم دیگر مفید نمی‌شمارند و حال آن که منشأ تمام علوم اجتماعی، همین میراث سنتی مردم است که در طول هزاران سال سینه به سینه تا زمان ما رسیده است.

می‌توان یادآور شد که در کشورهای غربی با وجود پیشرفتهای بزرگ تکنولوژی، به گردآوری، نشر و تحلیل فرهنگ مردم در صد سال آخر دقت مخصوص می‌دهند و در همه کشورهای غربی بدون توقف روند دگرگونیهای سنتهای مردمی را همه‌ساله و همیشه مورد آموزش و پژوهش قرار می‌دهند.

دگرگونیهای سیاسی و اقتصادی آخر سده بیست که در کشورهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان رخ داد، پژوهندگان این کشورها را وادار ساخت تا حد امکان در این راستا قدمهایی بردارند. باید یادآور شویم که در هر دو کشور هم‌زبان، پژوهندگان به ندرت می‌دانستند که در این رهگذر چه کارهایی صورت گرفته است. از این رو ضرور بود که پژوهندگان با کارهایی که در این کشورها به انجام رسیده است، آشنا می‌شدند. چون که پس از آشنایی بیشتر می‌توانستند به کارهایی جدی بپردازند.

پس از استقلال تاجیکستان، سفرها به کشور ایران شروع شد. یکی از آن مسافران فرهنگی، نگارنده این مقاله بود. هر باری که به جمهوری اسلامی ایران سفر می‌کردم، پیش از همه به رشته خود، به فرهنگ مردم (فولکلور) توجه می‌کردم. متأسفانه برخی محققان تاجیک، بدون درک درستی از واقعیت و بر اساس چند مجموعه پراکنده در کتابخانه‌ها، به چنین نتیجه رسیده بودند که در ایران به فولکلور کمتر توجه می‌شود. حال آن که این طور نیست! در ایران به گردآوری و نشر فرهنگ مردم اهمیت ویژه‌ای داده‌اند. به این کار پیش از همه ادیب مشهور ایران

صادق هدایت دست زد. او طرز گردآوری آثار فولکلوری را از کشورهای غربی آموخته، در ایران تطبیق نمود و خودش با همان روش علمی کشورهای مترقی جهان آثار زیادی را گردآوری نمود و نمونه‌های آن را در مجله «سخن» به نشر رساند. بعداً کتاب خود «نیرنگستان» را نشر کرد. پس از سالها فعالیت فولکلوری، صادق هدایت در کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران» (نیرنگستان، افسانه، ترانه‌ها، آثار تحقیق و چاپ نشده) در سال ۱۳۷۹ (تهران، ۲۰۰۰) از جانب نشر چشمه چاپ شد. کار صادق هدایت را شاگرد وفادارش انجوی شیرازی ادامه داد که در تاریخ مردم‌شناسی ایران فعالیت بی‌نظیری داشت.

خوشبختانه بنده در ایران با استاد انجوی شیرازی ملاقات کردم. در اواخر ماه می سال ۱۹۹۲ با یاری سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران، آقای علی‌اشرف مجتهد شبستری بیش از ۱۵۰ نفر فرهنگیان، برای شرکت در مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره) به ایران رفتند. این سفر بسیار خاطره‌انگیز بود. این بار اول بود که چنین گروه بزرگی از تاجیکستان به ایران می‌رفت. در همین سفر که بنده هم بودم، همچون عاشق فرهنگ مردم می‌خواستم که برای دیدار مردم عزیز ایران و دیدن آثار باستانی و از همه مهم‌تر برای آموزش و پژوهش فرهنگ مردم هم زبانم چند هفته‌ای بمانم. یکی از میزبانان ما آقای دکتر علی‌اصغر شعردوست بود که در آن سال ما ایشان را نمی‌شناختیم. در ملاقاتی بنده نیت آموزش و پژوهش خود را که در هتل استقلال بودیم، گفتم. برای ایشان آن عشقی که ما تاجیکان در باره فرهنگ آریایی، باستانی، اسلامی و ادیبان کلاسیک نیاکان خود داشتیم، خیلی جالب بود. با راهنمایی ایشان برای چند هفته در ایران ماندم. میزبان اولین ما دانشمند فرزانه آقای فریدون جنیدی بود و ایشان ما را راهنمایی کردند که چه گونه به منطقه‌های ایران

سفر نماییم. در آن سفر با دوستم میرزا شکورزاده به شیراز، اصفهان، مشهد، نیشابور، توس رفته، بزرگان ادب، تاریخ و فرهنگ نیاکان خود را زیارت کردیم. همچنین بنده چندین روز در کتابخانه دانشگاه تهران و بنیاد نیشابور نشسته، با آثار فرهنگ مردم هم زبانان ایرانی‌ام آشنا شدم. به کتاب فروشی‌ها رفته، کتابهای زیادی راجع به فرهنگ مردم خریداری کردم. در کنار این همه، همچون تشنه آثار فرهنگ مردم، به دیدار مردم‌شناسان ایرانی شتافتم.

این بود که در یکی از روزها استاد سید ابوالقاسم انجوی شیرازی را با راهنمایی عاشق فرهنگ ایرانی فریدون جنیدی، در همین سفر (۱۹۹۲م.) زیارت کردم. با ایشان صحبت دلنشینی داشتم. با اجازه استاد یک مصاحبه مختصری را نیز انجام دادم که بعداً بارها انتشار یافت. از جمله در هفته‌نامه «ادبیات و صنعت»، گاهنامه «مردم‌گیا» در تاجیکستان و بعداً در مجله و کتابهای ایران انتشار یافت [نک: کتابنامه: رحمانی. او رفت و قصه‌هایش ماند (گفتگو با انجوی شیرازی)].

خوب شد که در همان سفر نخستین استاد انجوی شیرازی را زیارت کردم. در این صحبت کوتاه از نزدیک درک نمودم که این استاد فاضل چه قدر عاشق فرهنگ مردمش است. او تمام عمر خود را در همین راه صرف کرده است. پس از چند ماه استاد برای من کتاب نو خود «گذری و نظری در فرهنگ مردم» را (۱۳۷۱ش/۱۹۹۲م.) ارسال نمود.

صد دریغا که پس از سالی خبر درگذشت این فرزانه فرهنگ‌پرور را شنیدم و دلم ریش ریش شد. معلوم شد که او ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۹۳م. عالم را بدرود گفته است. در واقع کاری که در گردآوری، نشر و تأسیس بایگانی «مرکز فرهنگ مردم» استاد انجوی شیرازی عملی کرد بی‌نظیر است که در این باره پژوهندگان کشورهای

خارجی نیز در نوشته‌های خود بارها گفته‌اند. من هم در نوشته‌های خود و در درسها به دانشجویان دانشگاه ملی تاجیکستان بارها در این باره گفته‌ام و حالا هم می‌گویم. البته هر محققى که حرفه خود را دوست می‌دارد، کمی کنجکاو می‌شود و به تحقیق مسئله می‌پردازد. هنگام سفرهای خود بنده همیشه در جستجوی بایگانیهای فرهنگ مردم ایران به خصوص «مرکز فرهنگ مردم» که اساس‌گذار آن استاد انجوى شیرازی بود، شدم. این مرکز در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده بود. زمانی که من آن مرکز را دیدم، نه تنها به طور جدی حفظ گردیده بود، بلکه مورد استفادای بیشتر قرار می‌گرفت و در نگهداری آن دولت نیز توجهی خاص می‌کرد. آن موادی که به سرپرستی مرحوم استاد انجوى شیرازی در طول قریب ۲۰ سال از طریق رادیو گردآوری شده بود، در همان «مرکز فرهنگ مردم» و «مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه»ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران محفوظ است. تا خرداد سال ۱۳۶۸ ش. (۱۹۸۹ م.) در این مرکز ۱۳۸۷۰۰ (یک صد و سی و هشت هزار و هفصد) سند فرهنگ مردم موجود بود [نگ: «راهنما برای کند و کاو»، ص. ۱۳] که همه آنها خیلی منظم در پرونده‌های مخصوص نگهداری می‌شوند. برای آن که از کارهای مردم‌شناسی هم زبانان خود کمی باخبر بشویم، به طور مختصر مواد برخی از این پرونده‌ها را یادآور می‌شوم.

تمام پرونده‌ها در سه بخش جدا شده است: ۱. پرونده موضوعی. ۲. پرونده محلی. ۳. پرونده ایلات و اقوام و اقلیت ها.

از جمله پرونده موضوعی به ۸۸ عنوان جدا شده است. به نوبه خود، هر پرونده موضوعی، این گونه طبقه‌بندی گردیده است.

طبقه‌بندی جغرافیایی: ۱) استانی؛ ۲) شهرهای استان و غیره.

این موضوع ها چه چیزهایی را در بر می گیرند؟ دانستن آن برای محققان تاجیک مفید است. به طور مختصر از آنها نام می بریم.

وسایل اقتصادی: آبادیها، کوهها، ساختمان منزل و اسباب خانه، پوشاک، خوراک، صید، دامداری، کشاورزی، آب و آبیاری، پیشه‌ها، شغل.

تفریح و آسایش: لغات، زبان ساختگی، ضرب‌المثل، لطیفه‌ها، شوخی‌ها، متلها، قصه‌ها، قصه‌های بزرگان، مردم و شاهنامه، چیستانها، دوبیتی‌ها، تصنیف‌ها، شعرای محلی.

اخلاق عامیانه: قسم‌ها-دعاها-نفرینها، افراد خیر و نکوکار، گیاهان، بیماریها و درمانها، نشانه‌های بدن، حیوانات و جانوران، نجوم، گاهشماری و هواشناسی، علم پیشین و تاریخ، اوزان و مقیاسها.

هنرهای عامیانه: هنرهای دستی و صنایع محلی، رقص و موسیقی، بازیهای نمایشی. زندگی اسرارآمیز: جادو، فال، تعبیر خواب، تفأل خانوادگی، چشم‌زخم، نذر و نیاز، معتقدات.

پرستشهای عامیانه: اماکن نظر کرده، قدمگاهها، درخت مراد، زیارت.

مراسم فصلی: باران خواستن، بند آوردن باران و شعرهای باران.

جشنها و مراسمها: جشنهای پاییزی و زمستانی، سده، نقالی، شب اسفند، پنجه، عرفه، چهارشنبه‌سوری، نوروز، سیزده‌بدر.

آداب و مراسم مذهبی: محرم، تعزیه‌ها، ماه رجب و شعبان، ماه رمضان، عیدهای مذهبی، عید قربان، عید غدیر، رسوم و آیین.

زندگی اجتماعی: تولد، لالایی، ختنه‌سوران، مکتب و مکتب‌خانه، بازیها، خواستگاری، آداب اجتماعی، مهمان‌داری، سوگواری.

هر یک از انواع فولکلوری در پرونده‌ای نگهداری می‌شود. مثلاً، تمام افسانه و

انواع دیگر نثر شفاهی «مرکز فرهنگ مردم» بیش از ۱۶ پرونده را در بر می‌گیرد. بعضی از افسانه‌ها بیش از پنجاه، صد و حتی چهارصد نسخه (واریانت) دارند. مثلاً، از افسانه «دختر ماه‌پیشانی» بیش از چهارصد و پنجاه نسخه موجود است.

این مواد مربوط به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بوده، همیشه از آن در گفتارهای رادیو ایران به طور منظم استفاده می‌شود. چند سال پیش ریاست صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای حفظ این میراث ارزشمند کاری نیک را به انجام رساند. یعنی منزل دو طبقه استاد انجوی شیرازی را با کتابهای خریداری کردند و تمام اسناد را که چندصد هزار است به آن جا انتقال داد، امروزه همچون موزه و مرکز پژوهشی از آن استفاده می‌برند.

طوری که اشاره رفت تا انقلاب اسلامی و استقلال تاجیکستان، فولکلورشناسان و مردمشناسان هر دو کشور از کارهای یکدیگر خیلی کم آگاه بودند و حتی آثاری که در هر دو کشور در این زمینه منتشر شده، بسیار ناچیز بود. مثلاً، در تاجیکستان دو مجموعه «نمونه‌های فولکلور ایران»، «گل خندان. افسانه‌های مردم ایران» و یک پژوهش راجع به تاریخ آموزش فولکلور ایران از جانب ادوارد شورتس نشر شده بود.

مجموعه «نمونه فولکلور ایران» (۱۹۶۳) از جانب ا. شورتس و ت. نعمت‌اف در تاجیکستان به چاپ رسیده است، ولی در سالهای پیش از استقلال تاجیکستان در ایران هیچ مجموعه فولکلور تاجیک انتشار نیافته است. مجموعه مذکور از نمونه‌های آثار ادبیات گفتاری مردم ایران از جمله افسانه‌ها، رباعیات، چیستانها، ضرب‌المثلها و مقالها عبارت است که گردآورندگان آنها را از مجموعه‌های گوناگون انتخاب کرده‌اند. این مجموعه دارای پیشگفتاری است که به قلم

ب. شیرمحمداف تعلق داشته، مؤلف اساساً در بارهٔ متنهای مجموعه سخن می‌راند. در سال ۱۹۷۴ زمینهٔ تحقیق فولکلور ایران در روسیه و سایر جماهیر شوروی سابق، اثری از ا. شورتس با عنوان «پیرامون فولکلور ایران» به زبان روسی منتشر شد که در آن او در بارهٔ مجموعه‌ها، کتابها، مقاله‌ها و دیگر پژوهشهایی که در شوروی سابق نشر شده بود، اطلاعاتی می‌دهد [نک: شورتس].

با گردآوری، نشر، تحقیق و تحلیل لهجه‌ها، عرف و عادات و به طور کلی فولکلور ایرانی، قبل از همه پژوهشگران خارجی مشغول شده‌اند. می‌توان از آمان (O. Mann)، د.س. فیلوت (D. C. Филлот)، آ. کریستینسن (A. Кристенсен)، ا. بروکت (E. Брукт)، د. لوریمر (D. Луример)، ه. ماسه (X. Массе)، ا. بولوین (A. Булвин)، الویل ساتون (Елвелл Соттун)، و.ا. ژوکوفسکی (B. A. Жуковский)، ا. ارامسکیویچ (A. A. Ромаскевич)، ا. زروزنفلد (A. Z. Розенфельд)، د.س. کمیسراف (D. C. Комиссаров)، م.ن. آسمنوف (M. H. Османов)، و. آیلرز (B. Эйлерс)، و. مرزولف (У. Марзулф) و دیگران نام برد. محققان مذکور انواع گوناگون ادبیات شفاهی، لهجه‌شناسی و دیگر انواع فرهنگ مردم ایران را گردآوری و ترجمه کرده، در اروپا و روسیه نیز به طبع رسانده‌اند. بعضی از محققان روسی مثل ا. زروزنفلد، رعلی‌اف، ا. برتلس، م.ن. آسمنوف، د.س. کمیسروف و دیگران آثار فارسی را به زبان روسی ترجمه کرده‌اند. در بارهٔ فعالیت بعضی از این پژوهندگان از جمله کمیسروف، الریش مرزولف، ما در گفتگوهای خود که بی‌واسطه با آنها صورت گرفته است، اشاره نموده‌ایم [نک: کتابنامه].

تا به حال گردآوری، نشر و پژوهش مشترک فرهنگ مردم دو کشور

همزبان صورت نگرفته است و حتی از جانب ایران - تا آنجا که نگارنده اصلاع دارد - محققى به طور جدی به تحقیق فرهنگ مردم تاجیکان مشغول نشده است. می‌توان یادآور شد که نویسنده این سطور در طول قریب بیست سال بارها هنگام شرکت در سمینارها و کنفرانسهای علمی و تا حد امکان در کشور همزبان خود ایران، کار میدانی انجام داده است. در نتیجه چندین نمونه‌های آثار فولکلوری، افسانه‌ها، گفتگوها با مردم‌شناسان و فرهنگیان ایران از جانب ما در مطبوعات تاجیکستان به نشر رسیده، خواننده تاجیک با میراث گفتاری همزبانان آشنا شده است.

در یکی از سفرهای خود در استان اراک ایران رفته، به جمع‌آوری متنهای فولکلوری مشغول شدم. چند نمونه افسانه‌های گردآورده خود را در قالب علمی با همان گفتار شیرین مردم اراک در مجموعه «شوغات (افسانه‌های فارسی و مهارت یک افسانه‌پرداز ایرانی)» در سال ۱۹۹۶ به نشر رساندم. در پیشگفتار این مجموعه در باره تاریخ ثبت و نشر افسانه‌های ایران معلومات داده شده و بعداً راجع به مهارت یک افسانه‌گوی ایرانی ابراهیم مرادی اطلاع داده شده است. همه متنهایی که در این مجموعه به نشر رسیده، در نوار ضبط آواز ثبت شده و طبق معیارهای فولکلورشناسی بین‌المللی عیناً به نشر رسیده است.

خوشبختانه در طی سالهای اخیر سال تا سال رابطه بیشتری در این راه برقرار می‌گردد. پژوهندگان فولکلورشناس، مردم‌شناس، ادیبان و دیگر فرهنگیان از ایران در طی سالهای اخیر به تاجیکستان تشریف می‌آورند و متعاقب آن، محققان از تاجیکستان به ایران سفر کرده، دیده‌ها و شنیده‌های خود را از روزگار مردم همزبان خود، از طریق روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون به مردم پیشکش می‌نمایند.

برای تحقیق مشترک در زمینه فرهنگ مردم کشورهای هم زبان، با تشبث

نویسنده این سطور و دستگیری رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، در پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، در ماه اکتبر سال ۱۹۹۸ میلادی سمینار بین‌المللی «وضع کنونی فولکلور و فولکلورشناسی مردم فارسی‌زبان و کشورهای همسایه» برگزار گردید که در این راستا، یکی از قدمهای نیک بود.

ناگفته نماند که در سالهای اخیر چندین مقاله و کتاب پژوهندگان تاجیک در این زمینه، در جمهوری اسلامی ایران به طبع رسید. از جمله چاپ کتابهای رجب اماناف (رباعیات مردمی و رمزهای بدیعی)، روشن رحمانی (افسانه‌های دری؛ تاریخ گردآوری و نشر افسانه‌های مردم فارسی‌زبان)؛ روزی احمداف (نوروز در وراودان؛ ترانه‌های مردم تاجیک، با همکار س. فتح‌الله، م. شکورزاده (سیب سمرقند). همچنین فرهنگیانی مانند آقای رحیم مسلمانیان، میرزا شکورزاده و دیگران که در ایران کار و زندگی می‌کردند، در فرصتهای مناسب نمونه‌هایی از فرهنگ مردم تاجیک را پیشکش خوانندگان ایرانی نمودند.

یکی از مسئله‌های مهم امروز همانا گردآوری نمونه‌های فرهنگ مردم است. حال در تاجیکستان گردآوری تمام بخشهای فرهنگ مردم چندان رضایت‌بخش نیست. در این کار همکاری مشترک با پژوهندگان مردم‌شناس ایران لازم است. چون که در کشور ایران به طور منتظم به همه بخشهای فرهنگ مردم توجه می‌نمایند. طوری که من می‌دانم از سر تا سر کشور در موارد ذیل کارهای ثبت و ضبط به انجام رسیده است: آب مایه حیات؛ آیین‌ها و مراسم؛ قصه‌های (افسانه‌های) مردم؛ فرهنگ مردم (مثلاً، تفتان در فرهنگ مردم)؛ پزشکی عامیانه یا طب سنتی؛ لاک‌تراشی (از چوب ساختن ظروف و چیزهای دیگر)؛ گلاب‌گیری؛ بازیهای محلی؛ تغییرات فرهنگی؛

حماسه‌های مردم؛ رابطه فرهنگ و زیست‌بوم؛ همبستگیهای اجتماعی؛ معرفی طایفه‌ها (مثلاً طایفه بلوچ)؛ نقوش و مضمون در سنگهای مزار؛ لالایی‌ها؛ ضرب‌المثلها؛ زبانزدها؛ ترانه‌ها؛ دامداری؛ بهره از آب (آب زیر زمینی و رودخانه‌ها، تقسیم آب)؛ آداب مراسم؛ آیینهای نوروزی؛ بازارهای موسمی؛ نقاشی و امثال اینها.

بخشی از نوشته‌های این جانب مربوط به آن بخش از ایران‌شناسی است که پژوهندگان زیادی از کشورهای گوناگون جهان به کشور ما آمده‌اند و یا بنده به کشورهای سفر نموده، با آنها گفتگو داشته‌م و نظر آنها را راجع به مسائل ایران‌شناسی ثبت و ضبط کردم. گفتگو با ایران‌شناسان کشورهای گوناگون عالم یکی از واسطه‌هایی است که خواننده با فعالیت این یا آن پژوهنده آشنا می‌شود.

در طی ۱۰-۱۵ سال اخیر راجع به مسائل گوناگون و مبرم ایران‌شناسی، گفتگوهایی را انجام دادیم که عنوان چند نمونه آنها این است: «زبان فارسی در هندوستان (گفتگو با پروفیسور عابدی، هندی)»، «هر روستای تاجیکستان کندلوس است (گفتگو با جهانگیری، ایرانی)»، «چرخه پرستش (گفتگو با افسانه‌شناس ایرانی م. میهن‌دوست و فولکلورشناس تاجیک بازار طلوزاد»، «رفتار مردم مثل آینه می‌ماند (گفتگو با پروفیسور بیمن)»، «گفتگو با پروفیسور م. میلز»، «تکه گمشده (گفتگو با داستان‌نویس ایرانی آتش‌پرور)»، «تاجیکان خوشبختند که یکی از قدیمترین ملت جهان هستند» (گفتگو با زبان‌شناس مشهور جهان پروفیسور یناش هرمته)»، «اگر ما همکاری می‌کردیم (گفتگو با آقای محمد میرشکرایی...)»، «به یاد نقالی و شاهنامه‌خوانی (گفتگو با دانشمند فرزانه جلیل دوستخواه)»، «فولکلور دل و جان مردم است (گفتگو با پروفیسور کمیسروف)»، «ایرانیها خودشان را از تاجیکستان جدا نمی‌دانند (گفتگو با دکتر حدّاد عادل، نماینده مردم تهران در مجلس

شورای اسلامی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر عامل بنیاد «دائرة المعارف اسلامی»، «فرستاده دانا و توانا (مصاحبهٔ پروفسور روشن رحمانی با سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان جناب آقای ناصر سرمدی پارسا)»، «آریا، تاجیک و تاجیکستان برایم عزیز است (گفتگو با دکتر ویکتوریا ارکیلاوه)»، «فلسفهٔ یونانی ریشهٔ آریایی داشت (گفتگو با ایران‌شناس ایتالیایی دیرمه جونی)»، «زبانی که بیشتر از هزار سال برای مردمانش فهماست (مصاحبهٔ پروفسور روشن رحمانی با آکادمیک ا.م. استبلین کامنسکی)»، «مرکز مشترک علمی ضرور است (گفتگو با دانشمندان ایرانی محمد اسلامی ندوشن و اصغر دادبه)»، «دوست دارم بیایم به تاجیکستان (گفتگو با دکتر اسکندر امان‌اللهی)»، «اندیشهٔ قشنگی برای تاجیکستان دارم (گفتگو با ایران‌شناس یونانی اونگلاس وینیتیس)»، «تاجیکستان جدا از من نیست (گفتگو با منوچهر ستوده)» و غیره.

تا حال بیش از ۳۰ گفتگو با ایران‌شناسان و مردم‌شناس و یا رشته‌های دیگر در مطبوعات تاجیکستان به نشر رسیده که در کتابنامهٔ همین مقاله برخی از آنها آمده است [نک: کتابنامه].

در این جا فقط به یکی از گفتگوهای خود که با پروفسور آلمانی الریش مرزولف داشتم اشاره می‌نمایم. این گفتگو تحت عنوان «شیفتهٔ فرهنگ ایرانی شدم (گفتگوی روشن رحمانی با الریش مرزولف)» در نامهٔ «نامهٔ پژوهشگاه» پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان به نشر رسید.

در این گفتگو پیوند نسلهای گوناگون ایران‌شناسان کشورهای ایران، انگلستان، آلمان، تاجیکستان و فعالیت علمی آنها در پژوهش آثار فولکلوری به نظر می‌رسد. خیلی جالب است، پروفسور الویل ساتون در سالهای مدّش جنگ دوم

جهانی از یک خانم ایرانی متنهای زیاد افسانه‌ها را ثبت می‌کند و پس از سالها الریش مروزلف آلمانی با همکاری آذر امیر حسین و سید احمد و کیلیان آن را از طریق انتشارات نشر مرکز به نشر می‌رساند و روشن رحمانی تاجیک راجع به این مسائل گفتگوی مفصل دایر نموده، در تاجیکستان به طبع می‌رساند.

در پیشگفتار «قصه‌های مشدی گلین خانم»، مروزلف در باره این شخص فرهنگ‌پرور می‌نویسد: «لورنس پل الویل ساتون ایران‌شناس انگلیسی که در سال ۱۹۸۴ درگذشت و این قصه‌ها (افسانه‌ها) را از دست فراموشی حفظ کرد و به اخلاف سپرد، در سال ۱۹۴۳ به عنوان کارمند رادیوی بریتانیا به ایران آمد. او که مردی بود با ذهن گشاده و شخصیت جامع‌الاطراف، نه تنها به شغل اصلی و رسمی خود پرداخت، بلکه در برخورد با مردم مملکت و روایات عامیانه و مردمی آنها نیز علاقه و دل‌بستگی بی‌ریایی از خود نشان داد... الویل ساتون کمی پس از ورود به ایران با یک روزنامه‌نگار ایرانی، یعنی علی جواهر کلام آشنا شد که بعداً در سلک دوستان نزدیک وی درآمد. ضمن ضیافتی در منزل او بود که با پیرزنی با نام مشدی گلین خانم روبرو شد، همان کسی که ما قصه‌های این مجموعه را به وی مدیونیم. الویل ساتون خود اولین برخوردش را با او چنین وصف می‌کند: «وقتی متوجه شد که من ذاتاً آدم کم‌حرفی هستم، شروع کرد به نقل روایت ایرانی قصه مشهور «شرط‌بندی سکوت». بعدها معلوم شد مشدی گلین خانم که نوشتن و خواندن نمی‌داند، گنجینه تمام نشدنی از قصه‌های عامیانه را در ذهن دارد که با هر حال و موقعیتی جور درمی‌آید». مشدی گلین خانم در آن وقتها حدود هفتاد سال داشت و خودش هم تاریخ دقیق تولدش را نمی‌دانست» [قصه‌های مشدی...، ص. ۱۳-۱۴].

هنوز کسانی هستند که زحمت ثبت و ضبط آثار فرهنگ مردم را نمی‌دانند و

به چنین استعدادهایی که با گنج متنها در حافظه، در کنارشان زندگی دارند، بی‌اعتنا می‌نگرند. اما ساعت‌های دور و دراز شنیدن و ثبت و ضبط کردن افسانه‌های این خانم با استعداد، صبر و تحمل و فراست بلند فرهنگ‌دوستی را تقاضا می‌نمود. همین محبت به فرهنگ بود که الویل ساتون در دوام چهار سال گفته‌های نثر شفاهی مشهدی گلین خانم را جمع آورد.

بر همگان معلوم است که فرهنگ ایرانی بر تمام فرهنگ‌های اقوام دیگر، از جمله در افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و حتی پاکستان و هندوستان و بخشی از چین تأثیر داشته، مردمان آنها فرهنگ مشترک دارند.

اکنون فرصت آن رسیده است که ما زودتر در تحقیق و تحلیل فرهنگ مردم نیز به کارهای جدی دست بزنیم. متأسفانه در این جهت تا به حال در طی چند سال حرف می‌زنیم، ولی کمتر عمل می‌کنیم. معلوم گردید که در بین مردم‌شناسان هر دو کشور در گذشته نه چندان دور، غیر از ملاقات‌های تصادفی، رابطه‌ی دیگر علمی وجود نداشت. ولی پس از استقلال تاجیکستان رابطه‌های علمی برقرار شد. این روابط باید بیشتر گردد.

به نظر ما در آینده نشر علمی همه‌انواع آثار فولکلوری به خط فارسی لازم است، تا پژوهندگان گوناگون به راحتی از این منابع استفاده برند. امیدواریم که در بین فولکلورشناسان کشورهای هم‌زبان رابطه‌ی علمی بیشتر شود.

از گفتگوهای ما با پژوهندگان ایرانی معلوم گردید که آنها نیز برای کارهای مشترک علمی با کمال میل خواهش دارند. هر قدر ملاقات پژوهندگان در کنفرانس‌ها و سمینارها بیشتر گردد، همان قدر برای حل مسئله‌های علمی راه‌های نو به نو پیدا می‌شود.

این گزارش مختصر دلیل بر آن است که پس از انقلاب اسلامی ایران و استقلال تاجیکستان، در آموزش و پژوهش فرهنگ مردم دو کشور همزبان کارهای نظرسی آغاز شده، ولی به نظر ما این کارها خیلی کم است. در آینده باید مردم‌شناسان هر دو کشور برنامه‌های جدی‌تری تهیه نموده، برای باز هم بیشتر و بهتر آموختن فرهنگ مردم یکدیگر کوشش نمایند و خلأ ایران‌شناسی در این بخش را مرتفع نمایند.

در ذیل فهرست بخشی از کوششهایی که در تاجیکستان در زمینه فولکلورشناسی صورت گرفته، ارائه می‌گردد.

۱. امان‌اف رجب، رباعیات مردمی و رمزهای بدیعی. تهران: سروش، ۱۳۸۱.
۲. احمد روزی. نوروز در ورارودان / به کوشش ن. کریمیان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.
۳. احمد روزی، فتح‌الله س. ترانه‌های مردم تاجیک. تهران: نشر بلخ، ۱۳۸۴.
۴. مسئله‌های فولکلور کشورهای فارسی‌زبان (مجموع مقالات) / گردآورندگان: روزی احمداف، روشن رحمانی. دوشنبه، ۱۹۹۸.
۵. نمونه‌های فولکلور ایران. / شورتس ا. و نعمت‌اف ت. دوشنبه، ۱۹۶۳.
۶. گل خندان. افسانه‌های مردم ایران / به چاپ آماده کننده شورتس ا. دوشنبه: عرفان، ۱۹۶۹.
۷. قصه‌های مشدی گلین‌خانم. ۱۱۰ قصه عامیانه ایرانی / گردآوری الویل ساتون / ویرایش: و. مرزولف، آذر امیر حسین، س. وکیلان. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۸. رحمانی روشن. شاعران محلی و ضرورت ثبت و بررسی آثار آنها // سیمرغ- ۱۳۶۹ (۱۹۹۰). ش ۸-۹. ص. ۴۶-۴۹. (به الفبای فارسی).
۹. رحمانی روشن. تاجیکان، ایرانی‌نژادند // سیمرغ- ۱۳۷۱ (۱۹۹۲). ش ۱۳-۱۴. ص. ۲۱۰-۲۱۲. (به الفبای فارسی).
۱۰. رحمانی روشن. تجربه روزگار // مردم‌گیاه- ۱۹۹۳. ش ۱. ص. ۱-۳. (ب و دو الفبا).
۱۱. رحمانی روشن. او رفت و قصه‌هایش ماند (گفتگو با انجوی شیرازی) // کلک، ۱۳۷۴=۱۹۹۵. ص. ۲۹۴-۳۰۴. (به فارسی)
۱۲. رحمانی روشن. قصه‌های ایرانی: گنج ناشناخته // نگاه نو، ۱۳۷۴=۱۹۹۵، ش ۲۶، ص.

- ۲۰۴-۲۱۱. (به فارسی).
۱۳. رحمانی روشن. نوروز در تاجیکستان // برگ سبز، ۱۳۷۴=۱۹۹۵، سال چهارم، ش ۲۱، ص. ۱۰-۱۳. (به فارسی).
۱۴. رحمانی روشن. مهارت افسانه‌گویی تاجیکان // سیمرغ، ۱۳۷۴=۱۹۹۵، ص. ۲۳۳-۲۴۴. (به فارسی).
۱۵. رحمانی روشن. تاجیکان عاشق زبان فارسی هستند // سروش، ۱۳۷۴=۱۹۹۵، سال ۱۷، ش ۷۵۴، ص. ۳۶-۳۸. (به فارسی).
۱۶. رحمانی روشن. در جستجوی فرهنگ مردم // مردم‌گیا، ۱۹۹۶/۱۹۹۵، ش ۱-۲، ص. ۱۵-۵.
۱۷. رحمانی روشن. زبان فارسی در هندوستان (گفتگو با پروفیسور عابدی) // مردم‌گیا، ۱۹۹۶/۱۹۹۵، ش ۱-۲، ص. ۸۹-۹۵.
۱۸. رحمانی روشن. هر روستای تاجیکستان کندلوس است // مردم‌گیا، ۱۹۹۶/۱۹۹۵، ش ۱-۲، ص. ۱۷۶-۲۰۰.
۱۹. رحمانی روشن. شوغات (افسانه‌های فارسی و مهارت یک افسانه‌پرداز ایرانی). دوشنبه، ۱۹۹۶.
۲۰. رحمانی روشن. سیتی و ماه‌سیتی. (افسانه با لهجه فارسی) // مردم‌گیا، ۱۹۹۵-۱۹۹۶، ش ۱-۲، ص. ۱۲۲-۱۳۳.
۲۱. رحمانی روشن. افسانه و ژانرهای دیگر نثر شفاهی (دستور تعلیمی). دوشنبه، ۱۹۹۹.
۲۲. رحمانی روشن. چرخه پرستش (گفتگو با افسانه‌شناس ایرانی م. میهن‌دوست و فولکلورشناس تاجیک بازار تیلوزاد) // گل مراد، ۱۹۹۷، ش ۴-۹(۲)، ص. ۴۲-۵۰.
۲۳. رحمانی روشن. عنصرهای فرهنگ ایران باستان نزد تاجیکان بایسون ازبکستان // پژوهش در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا. به کوشش مسعود میرشاهی. پاریس، ۱۹۹۷، ص. ۷۳۱-۷۳۰. (به زبان فارسی).
۲۴. رحمانی روشن. رستم داستان // مردم‌گیا، ۱۹۹۷، ش ۱-۲، ص. ۲۲۶-۲۳۱.
۲۵. رحمانی روشن. چهره‌های واقعی، افسانوی و سنت‌های مردمی یکی از واسطه‌های تصویر بدیعی کمال خجندی // ایرانشناخت (نامه انجمن ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز). تهران، ۱۳۷۵ (۱۹۹۷)، ص. ۸۹-۱۰۹. (به فارسی؛ فشرده به زبان روسی ص. ۹-۱۰).
- 26- Раҳмонӣ Р. Сказки сказочники персоязычных народов. Москва: Дерево жизни, 1998, 112 с.
۲۷. رحمانی روشن. شاهنامه در فولکلور تاجیکان // Proceedings Sekond International Studies Confrence "From Avesta to Shahnameh". The University of Sydney, NSW, Australia. February 6 to 16, 1998. (0,5 پ.ل.). (به فارسی).
۲۸. رحمانی روشن. روایت مردمی در باره «سامانیان» از نگاه نظام‌الملک همچون «امیر

- عادل // سامانیان و احیای تمدن فارسی تاجیکی. دوشنبه، ۱۹۹۸، ص. ۵۷۹-۵۹۸.
۲۹. رحمانی روشن. رودکی و فرهنگ نیاکان // پژوهش در فرهنگ باستان و شناخت اوستا. سومین همایش. به کوشش مسعود میرشاهی. پاریس، ۱۹۹۸، ص. ۷۵۳-۷۶۴. (به الفبای فارسی).
۳۰. رحمانی روشن. اشارتی چند راجع به پژوهش مشترک فولکلور همزبانان (در مثال افسانه) // مسئله‌های فولکلور کشورهای فارسی‌زبان (مجموع مقالات). کتاب اول. دوشنبه، ۱۹۹۸، ص. ۱۵۹-۱۷۳.
۳۱. رحمانی روشن. به امید کارهای مشترک در مردم‌شناسی // پیام اندیشه، ۱۹۹۸، ش ۹-۱۰، ص. ۶۲-۷۰.
۳۲. رحمانی روشن. افسانه و ژانرهای دیگر نثر شفاهی (دستور تعلیمی). دوشنبه: پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۹۹۹، ۱۰۴ س.
۳۳. رحمانی روشن. افسانه‌های دری. تهران: سروش، ۱۳۷۷ (۱۹۹۸)، ۶۲۲ ص. (نشر دوم).
۳۴. رحمانی روشن. پیوند سنت‌های باستانی و آیینهای سامانی در آثار رودکی // نامه آل سامان. (مجموعه مقالات علمی: تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان). به کوشش ع. شعردوست و ق. سلیمانی. تهران، ۱۳۷۸ (۱۹۹۹)، ص. ۶۷۵-۶۸۷.
۳۵. رحمانی روشن. عاید به مسئله به طور مقایسوی آموختن افسانه‌های مردم فارسی‌زبان // جستجوهای ادبی. کتاب ۱۵. مرتب و مسئول نشر ا. رحمان اف. دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۹، ص. ۴۴-۴۹.
- 36- Рахмони Р. О сказителях персоязычных народов. // Культурное наследие Ирана на пороге XXI века. (Материалы Международной конференции по иранистике). М.: Гуманитарий, 2001, с. 100-107.
- 37- Рахмонӣ Р. “Авеста” и её устная традиция. // Авеста в истории и культуре центральной Азии. Душанбе: Сурушан, 2001, с. 363-371.
۳۸. رحمانی روشن. رفتار مردم مثل آئینه می‌ماند. (گفتگو با پروفیسور بیمن) // نامه پژوهشگاه. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی، ۲۰۰۱، ص. ۹۹-۱۱۰. (به الفبای فارسی: ص. ۸۰-۹۰).
۳۹. رحمانی روشن. گفتگو با پروفیسور م. میلز // گل مراد، ۲۰۰۱، ش ۳-۴.
۴۰. رحمانی روشن. تکه گمشده. (گفتگو با داستان‌نویس ایرانی آقای آتش‌پرور). // شاهراه وحدت. دوشنبه، ۲۰۰۲، ش ۶، ص. ۴۱-۴۸.
۴۱. رحمانی روشن. از ترانه‌های شفاهی معاصران رو به سروده‌های باستان // از باربد تا صبا / ع. رجب‌اف. دوشنبه: دیوشتیج، ۲۰۰۳، ص. ۱۹۰-۱۹۶. (به الفبای فارسی).
۴۲. رحمانی روشن. شیفته فرهنگ ایرانی شدم (گفتگوی روشن رحمانی با الریش

- مرزولف، پروفیسور آلمانی) // نامه پژوهشگاه (مجموع مقالات). دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی، ۲۰۰۲، ش ۲، ص. ۲۰۵-۲۳۲. (به فارسی ص. ۱۹۱-۲۱۴).
۴۳. رحمانی روشن. اگر ما همکاری می‌کردیم (گفتگو با آقای محمد میرشکرای... // مردم‌گیا، ۱۹۹۸-۲۰۰۲، ش ۱-۲، ص. ۷۰-۸۴. (به فارسی: ص. ۵۵-۶۶).
۴۴. رحمانی روشن. داندۀ بزرگ زبانهای ایران باستان (گفتگو با پروفیسور هرمنته) // نامه پژوهشگاه. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی، ۲۰۰۳، ش ۳، ص. ۱۴۱-۱۵۳. (به فارسی ص. ۱۶۳-۱۷۷).
۴۵. رحمانی روشن. نوروز- میراث جمشید (گفتگو با روشن رحمانی) // جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۳، ۱۸ مارت، ص. ۴. (س. قربان، گ. عبدالله).
۴۶. رحمانی روشن. پیمان و وفای زنانه در داستان بیژن و منیژه // در کتاب: پژوهشهای ایرانی / ر. مرادی. شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۱ (۲۰۰۴)، ص. ۲۰-۳۳.
۴۷. بیابید، دانش شفاهی مردم آریایی تبار را گرد آورده، گرامی داریم // مردم‌گیا، ۲۰۰۳، ش ۱-۲، ص. ۳-۶.
۴۸. رحمانی روشن. به یاد نقالی و شاهنامه‌خوانی (گفتگو با دانشمند فرزانه جلیل دوستخواه) // مردم‌گیا، ۲۰۰۳، ش ۱-۲، ص. ۴۳-۶۵ (به الفبای تاجیکی)؛ ص. ۴۴-۶۸ (به الفبای فارسی).
۴۹. رحمانی روشن. فولکلور دل و جان مردم است (گفتگو با پروفیسور کمیسروف) // مردم‌گیا، ۲۰۰۳، ش ۱-۲، ص. ۶۶-۷۵ (به الفبای تاجیکی)؛ ۶۹-۷۹ (به الفبای فارسی).
۵۰. رحمانی روشن. حداد عادل: ایرانیها خودشان را از تاجیکستان جدا نمی‌دانند (گفتگو با دکتر حداد عادل، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر عامل بنیاد «دائرة المعارف اسلامی») // نامه پژوهشگاه. دوشنبه، ۲۰۰۴، ش ۵، ص. ۱۱۵-۱۳۶.
۵۱. رحمانی روشن. یکی از سرچشمه‌های فرهنگ آریایی // فولکلور، ادبیات، زبان (مجموع مقاله‌ها). دوشنبه: ۲۰۰۴، ص. ۵-۸.
۵۲. رحمانی روشن. نوروز میراث تجربه نیاکان // مجموعه مقاله‌های دومین همایش منطقه نوروز (نوروز، ۱۳۸۰، ارک بم). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی، پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۸۳، ص. ۶۵-۷۰.
۵۳. رحمانی روشن. فرستاده دانا و توانا (مصاحبه پروفیسور روشن رحمانی با سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان جناب آقای ناصر سرمدی پارسا). دوشنبه: پیوند، ۱۳۸۸ س. (به الفبای تاجیکی و فارسی).
۵۴. رحمانی روشن. برخی از نشانه‌های تمدن آریای را می‌توان از ایجادیات خلق پیدا کرد // بهار عجم، زانویه ۲۰۰۶، ش ۷ (۷۷)، ص. ۲-۳.
۵۵. رحمانی روشن. «داستان برزو» در گفتار جوهره کمال (متن علمی). دوشنبه، ۲۰۰۷.

۵۶. رحمانی روشن. مقبرهٔ مولانا // پیوند، ۲۰۰۷، ش ۱۳، ص. ۸۳-۸۷. (فارسی ص. ۸۴-۸۸).
۵۷. رحمانی روشن. سومین انجمن مطالعات جوامع فارسی‌زبان در تفلیس // پیوند، ۲۰۰۷، ش ۱۳، ص. ۱۶۸-۱۶۹. (فارسی ص. ۱۷۵-۱۷۶).
۵۸. رحمانی روشن. بررسی «شاهنامه» در انگلیس // صدای شرق. - ۲۰۰۸. - ش ۵. - ص. ۱۶۳-۱۶۶.
۵۹. رحمانی روشن. آریا، تاجیک و تاجیکستان برایم عزیز است (گفتگو با دکتر ویکتوریا ارکیلاوه). // ادبیات و صنعت. - ۲۰۰۸. - ش ۲۳، ۵ ژوئن.
۶۰. رحمانی روشن. فلسفهٔ یونانی ریشهٔ آریایی داشت (گفتگو با ایران‌شناس ایتالیایی دیرمه جونی) // آزادگان. - ۲۰۰۸. - ش ۲۵، ۱۹ ژوئن.
۶۱. رحمانی روشن. زبانی که بیشتر از هزار سال برای مردمانش فهماست (مصاحبهٔ پروفیسور روشن رحمانی با آکادمیک ا.م. استیلین کامنسکی) // ادبیات و صنعت. - ۲۰۰۸. - ش ۲۹، ۱۷ ژانویه.
۶۲. رحمانی روشن. مرکز مشترک علمی ضرور است (گفتگو با دانشمندان ایرانی محمد اسلامی ندوشن و اصغر دادبه) // ادبیات و صنعت. - ۲۰۰۸. - ش ۳۴، ۲۱ آگوست.
۶۳. رحمانی روشن. دوست دارم بیایم به تاجیکستان (گفتگو با دکتر اسکندر امان‌اللهی) // آزادگان. - ۲۰۰۸. - ش ۳۴، ۲۱ آگوست.
۶۴. رحمانی روشن. اندیشهٔ قشنگی برای تاجیکستان دارم (گفتگو با ایران‌شناس یونانی اونگلاس وینیتیس) // آزادگان. - ۲۰۰۸. - ش ۳۵، ۴ سپتامبر.
۶۵. رحمانی روشن. تاجیکستان جدا از من نیست (گفتگو با منوچهر ستوده) // آزادگان. - ۲۰۰۸. - ش ۳۶، ۱۱ سپتامبر.
- 66- Шварц (Шварц) Э.А. К истории изучения фольклора Ирана. Душанбе: Дониш, 1974.
۶۷. شکورزاده میرزا. سیب سمرقند. تهران: روزنه، ۱۳۷۹.